

زوزانا كوفالتشيك (مؤلفة الترجمة)

كيف يؤثر التضليل الروسي على صورة بولندا - الاستنتاجات

تؤيد حملات التضليل الروسي في اللغات التركية والعربية والفارسية صورةً موحدةً عن بولندا: دولة عدوانية ومعادية لروسيا وخاضعة للولايات المتحدة والناتو تعمل على زعزعة استقرار أوروبا الوسطى والشرقية وتصيد الحرب في أوكرانيا. في النسخ اللغوية الثلاث لا تظهر بولندا تقريباً أبداً بوصفها فاعلاً مستقلاً فهي دائماً "أداة في يد الغرب" ووسيلة بيد واشنطن ودولة مستعدة للتضحية بأمن المنطقة من أجل تحقيق ما يُزعم أنها طموحاتها الإمبريالية الخاصة (ضُم غرب أوكرانيا وتهديد بيلاروسيا و"بؤرة إشعال الحروب" في أوروبا). وهي الأطر التفسيرية الأساسية التي تضع فيها وسائل الإعلام الروسية كل قصة تتعلق ببولندا: من الطائرات المسيّرة والسكك الحديدية المُخرَبة إلى القرارات في الاتحاد الأوروبي والناتو. في عامي ٢٠٢٣ و٢٠٢٤ بُنيت هذه الصورة بشكل رئيسي حول روايات "تقسيم أوكرانيا" والادعاءات بشأن خطط ضُم لفيف و"الأراضي الحدودية" والسيطرة الأمريكية على وارسو وكذلك تصوير بولندا بوصفها أعلى الأصوات تشدداً في حلف شمال الأطلسي. في عام ٢٠٢٥ يبقى جوهر السردية كما هو لكن يحدث تحول ملحوظ في التركيز: تُربط بولندا بشكل متزايد بالإرهاب والتخريب والجريمة ويُزعم أنها تقف وراء الهجمات على البنية التحتية للطاقة (نورد ستريم و"صدافة") وتهدد بإسقاط طائرة بويتين وتهزّب المواد المتفجرة وتشارك في تنظيم الاستفزازات بالاشتراك مع الأجهزة الأوكرانية للأمن بل وتلهم الإسلاميين في روسيا. هناك أيضاً بعد أخلاقي موسع حاضر في هذه السردية: فبولندا تُصوّر كدولة عنصرية ومعادية لللاجئين وعنيفة تجاه الأوكرانيين ومشبعة "برهاب روسيا الهستيري". من مستوى "المعتدي الجيوسياسي" تتطور السردية إذاً نحو صورة دولة راعية للعنف وبلد منحط أخلاقياً. ما يميز النسخ اللغوية لسبوتنيك هو ما يمكن أن يؤثر بأكثر قدر على مشاعر الجمهور المحلي. في النسخة التركية تُقدّم بولندا قبل كل شيء كمنافس ومدمر للنظام الأوروبي: "مزرعة الاتحاد الأوروبي" التي تخاف من المنافسة الأرخص من أوكرانيا وتركيا وتعرقل توسيع الاتحاد الأوروبي وتُفشل محادثات السلام في إسطنبول وتدفع حلف شمال الأطلسي نحو مواجهة مع روسيا. في المصادر الناطقة بالفارسية تُردّ المزيد من البرقيات القصيرة والحساسية: حول الدعم المزعوم للإرهاب والعمليات السرية و"الاستفزازات" التي تشارك فيها الأجهزة الأمنية البولندية والإسلاميون — وهو ما ينسجم مع لغة السرديات عن المؤامرات و"العمليات الخاصة" للغرب المعروفة جيداً في إيران. في النسخة العربية تُسلّط الأضواء أيضاً بشكل كبير على قضايا العنصرية والمشاعر المعادية لللاجئين في بولندا وسوء معاملة الأوكرانيين إضافةً إلى السياقات الشرق أوسطية (أسطول الحرية وقطاع غزة و تكاليف الإجلاء من غزة) وذلك بهدف تصوير بولندا كجزء من الغرب المنافق والمُعادٍ للإسلام. على مستوى التقنيات يتوافق الخطاب الروسي مع ما تصفه التحليلات الأوسع للحرب المعلوماتية الروسية في منطقة ميناء. في كل نسخة لغوية يهيمن الاقتباس الانتقائي من خطابات السياسيين الغربيين والمعلقين الهامشين — من فيكتور أوربان مروراً بصحفيين بريطانيين قليلي الشهرة وصولاً إلى وسائل إعلام بولندية غير معروفة — وذلك ليبدو الأمر وكأنه "صوت الغرب ضد بولندا" أو "صوت البولنديين أنفسهم الذين يمتحنون الحق لروسيا". يلعب اقتطاع الكلمات من سياقها دوراً أساسياً وكذلك العناوين الإيحائية وجمع الحقائق دون توضيح الروابط بينها (مثل ربط القرارات البولندية في الاتحاد الأوروبي بخطط تخريب مزعومة). يُعاد نشر المواد على منصات مختلفة — من المواقع الإخبارية مروراً بالراديو وصولاً إلى تيليغرام — ممزوجة بأخبار عادية تماماً (مثل شاحنة القمامة في رودا أو "شبح بيوسودسكي") مما يُعوّد المتلقي على العلامة ويُكوّن لديه انطباعاً بأنه يتابع خدمة إخبارية "طبيعية". ومن الأدوات المهمة في هذه العملية أيضاً "غسل المحتوى" من خلال الخبراء المحليين ووسائل الإعلام في المنطقة. ويستضيف سبوتنيك بثلاث نسخ لغوية بشكل منتظم معلقين من تركيا والدول العربية أو إيران الذين — وهم يتحدثون بطريقتهم الخاصة عن بولندا — يكررون السرديات الروسية: أن بولندا هي من أشعلت الحرب العالمية الثانية وتُهدد بإشعال حرب عالمية ثالثة وأنها "عنصرية ونقية إثنياً" وأن نُخبها مدفوعة بالكرهية تجاه روسيا وأوكرانيا. وبفضل ذلك لا تبدو السردية كدعاية مفروضة من موسكو بل "كرأي محلي". ويُضاف إلى ذلك استغلال القضايا التاريخية الصعبة — وخاصة مجزرة فولين — بهدف التشكيك في صدق الدعم البولندي لأوكرانيا في نظر جمهور دول الجنوب العالمي وتصوير البلدين على أنهم محكومان بالصراع.

ترجمه: مارچین کژیژانوفسکی

نتیجه‌گیری‌ها براساس سه بخش تحلیل

اطلاعات نادرست روسیه به زبان‌های ترکی، عربی و فارسی یک تصویر واحد از لهستان می‌سازد: کشوری تهاجمی روس‌ستیز و تابع آمریکا و ناتو که اروپای مرکزی و شرقی را بی‌ثبات می‌کند و جنگ در اوکراین را تشدید می‌کند. در هر سه نسخه زبانی، لهستان تقریباً هیچ‌وقت به عنوان یک بازیگر مستقل نشان داده نمی‌شود - همیشه «مهره غرب»، ابزار واشنگتن و کشوری معرفی می‌شود که حاضر است امنیت منطقه را قربانی کند تا ظاهراً جامع‌طلبی‌های امپراتوری خود را دنبال کند (الحاق بخش غربی اوکراین، تهدید علیه بلاروس، «کانون جنگ‌ها» در اروپا). این چارچوب اصلی است که رسانه‌های روسی هر خبر مربوط به لهستان را در آن قرار می‌دهند: از پهیادهای و خرابکاری در خطوط راه‌آهن گرفته تا تصمیم‌های اتحادیه اروپا و ناتو.

در سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴ این تصویر بیشتر با موضوعات «تقسیم اوکراین»، ادعاهای مربوط به برنامه‌ریزی برای الحاق لویو و «مناطق شرقی»، کنترل آمریکایی‌ها و ورشو و معرفی لهستان به عنوان تندروترین کشور در ناتو ساخته می‌شد. در سال هجدهم این روایت حفظ شده، اما تغییر مهمی در تاکیدها دیده می‌شود: لهستان بیشتر با تروریسم، خرابکاری و جنایت ۲۰۲۵ ارتباط داده می‌شود - گفته می‌شود پشت حمله به زیرساخت‌های انرژی (نورد استریم، «دوستی»)، تهدید به سرنگونی هواپیمای پوتین، انتقال مواد منفجره، همکاری با سرویس‌های اوکراینی برای تحرکات و حتی الهام‌بخش اسلام‌گرایان در روسیه است. همچنین بُعد اخلاقی روایت تقویت شده است: لهستان به عنوان کشوری نژادپرست، ضد مهاجر، خشن نسبت به اوکراینی‌ها و پر از «روس‌ستیزی دیوانوار» معرفی می‌شود. در نتیجه روایت از تصویر «متجاوز ژنوپولیتیک» به سمت تصویر کشوری حامی خشونت و از نظر اخلاقی سقوط کرده حرکت می‌کند.

نسخه‌های زبانی اسپوتنیک بسته به احساسات مخاطبان محلی فرق می‌کنند. در نسخه ترکی، لهستان بیشتر رقیب و خراب‌کننده نظم اروپاست: «مزرعه اتحادیه اروپا» که از رقابت ارزان اوکراین و ترکیه می‌ترسد، جلوی گسترش اتحادیه را می‌گیرد، مذاکرات صلح استانبول را خراب می‌کند و ناتو را به سمت رویارویی با روسیه می‌راند. در نسخه فارسی، خبرهای کوتاه و هیجان‌انگیز بیشتری دیده می‌شود - درباره حمایت ادعایی از تروریسم، عملیات مخفی، «تحرکات» با مشارکت سرویس‌های لهستانی و اسلام‌گرایان - که با سبک داستان‌گویی رایج در ایران درباره وطن‌ها و «عملیات ویژه» غرب هماهنگ است. در نسخه عربی نیز موضوعات نژادپرستی، احساسات ضد مهاجرت در لهستان، رفتار بد با اوکراینی‌ها و همچنین مسائل مرتبط با خاورمیانه (کاروان آزادی، غزه، هزینه‌های تخلیه از غزه) برجسته می‌شوند تا لهستان را بخشی از غرب ریاکار و اسلام‌ستیز نشان دهند.

در سطح تکنیک‌ها، روایت روسی کاملاً مطابق با آن چیزی است که در تحلیل‌های گسترده‌تر درباره جنگ اطلاعاتی روسیه توصیف شده است. در هر نسخه زبانی، نقل‌قول‌های گزینشی از سیاستمداران غربی و مفسران حاشیه‌ای MENAT در منطقه غالب است - از ویکتور اوربان گرفته تا نویسندگان بریتانیایی ناشناخته و رسانه‌های کم‌اهمیت لهستانی - تا به نظر برسد که این «صدای غرب علیه لهستان» یا «صدای خود لهستانی‌ها در تأیید روسیه» است. نقش اصلی را خارج کردن جملات از متن، تئیرهای القایی و کنار هم گذاشتن وقایع بدون توضیح ارتباط آن‌ها بازی می‌کند (مثلاً پیوند دادن تصمیمات لهستان در اتحادیه اروپا با برنامه‌های ادعایی خرابکاری). مطالب در پلتفرم‌های مختلف - وبسایت‌ها، رادیو و تلگرام - تکرار می‌شوند و با خبرهای کاملاً بی‌اهمیت (مثل خبر کامیون زباله در رودا یا «روح پیلسودسکی») ترکیب می‌شوند تا مخاطب به برند رسانه عادت کند و آن را یک سرویس خبری «طبیعی» ببیند.

ابزار مهم دیگر «شست‌وشوی محتوا» توسط کارشناسان و رسانه‌های محلی در منطقه است. اسپوتنیک در هر سه نسخه زبانی مرتباً از کارشناس‌هایی از ترکیه، کشورهای عربی یا ایران دعوت می‌کند که هنگام صحبت درباره لهستان، همان گزاره‌های روسی را تکرار کنند: اینکه لهستان جنگ جهانی دوم را آغاز کرد و اکنون جهان را به سمت جنگ جهانی سوم می‌برد، اینکه کشوری «نژادپرست و از نظر قومی پاک» است، یا اینکه نخبگانش از نفرت نسبت به روسیه و اوکراین هدایت می‌شوند. به این ترتیب پیام به صورت «نظر محلی» دیده می‌شود، نه تبلیغات تحمیل شده از مسکو. علاوه بر این، از موضوعات سخت تاریخی - به‌خصوص کشتار وولین - استفاده می‌شود تا در چشم مخاطبان جنوب جهانی صداقت حمایت لهستان از اوکراین را زیر سؤال ببرند و هر دو کشور را محکوم به درگیری نشان دهند.